

در ایران، زمان متحد اصلاح طلبان است

حمیدرضا جلالی پور، یکی از مدیران روزنامه های ایران، از ۱۴ ماه پیش قدم به دفتر کار خود گذاشته است.

این وضع از زمانی شروع شده که قوه قضایی سخت گیر، برای ششمین بار حکم توقیف روزنامه او را صادر کرد و به بازی موش و گربه ای که او بعد از بسته شدن هر کدام از روزنامه هایش ادامه می داد و روزنامه دیگری را با نام جدید راه اندازی می کرد، خاتمه داد. در خیابان فرعی سرسبزی در شمال تهران، سه طبقه پر از میزهای تحریر و رایانه ها پشت یک در قفل شده خاک می خورند. چهار نفر از روزنامه نگاران این روزنامه اکنون در زندان در حال پوسیدن هستند. با این حال، جلالی پور، که ۴۳ سال دارد و استاد جامعه شناسی است، در مورد موفقیت جنبش اصلاحات در دور دوم ریاست جمهوری آقای محمد خاتمی خوشبین است.

او لبخند زان می گوید: "دور دوم اگر بهتر از اول نباشد، احتمالاً نمی تواند بدتر باشد." اصلاح طلبها، که کار خود را با رییس جمهور آغاز کردند، این روزها به نظر می رسد که همیشه در حال خندیدن هستند. آنها می دانند که زمان متحد با مال آنهاست.

آقای خاتمی، در سخنرانی مراسم تحلیف خود قول داد که در جهت حاکمیت قانون و حقوق فردی، توسعه اقتصادی بیشتر، آزادی بیشتر مطبوعات، بهبود آموزش، همکاری واقعی بین شعبات دولتی رقیب و خاتمه دادن به خشونت پنهان افراطیون، که مدت هاست بلای انقلاب اسلامی شده است، پیش رود.

همان طور که خود رییس جمهور اشاره کرد، او چهار سال پیش نیز قول های مشابهی داده بود. پرسشی که اکنون مطرح است، این است که آیا او می تواند در این دوره به وعده های خود عمل کند یا مانند دوره قبل در یک چالش فرساینده با مخالفان محافظه کار خود، خرد خواهد شد.

بسیاری از محافظه کارها، مخصوصاً روحانیون بلند پایه، معتقدند که برای حاکمیت خود نیازی به پاسخگویی به مراجع دنیوی صرف، مانند رأی دهندگان، ندارند؛ زیرا حاکمیت آنها ریشه در اصول قرآنی دارد. آنها همچنین بعد از ۲۳ سال، به بر سر قدرت بودن، بی آنکه نیازی به توجیه سلطه خود داشته باشند، عادت کرده اند. این وضع به آنها مجوز برخورد با هر مخالفی را می دهد.

در طیف سیاسی ایران، همه از عبارت "مردم سالاری دینی" برای تشریح مقصدی که کشور به سوی آن روان است، استفاده می کنند. مشکل این است که قانون اساسی، که بعد از انقلاب

متحدان آقای خاتمی معتقدند که اگر

چه ممکن است محافظه کاران به برخی

اهداف تاکتیکی کوچک دست یابند،

اما سرانجام پیروزی راهبردی نصیب

اصلاح طلبان می شود

اسلامی در سال ۱۹۷۹ تدوین شده است، در مورد این که آیا تأکید بر دین است یا مردم سالاری، ابهام دارد.

در طرف دینی آن، قانون اساسی به رهبر عالی، مقام مهم رهبری معنوی که در حال حاضر آیت الله علی خامنه ای متصدی آن است، قدرتی عظیم، داده است. ارتش، قوه قضاییه، رادیو-تلویزیون، همه زیر نظری قرار دارند و او به طور گسترده ای دو شورای نظارتی را، که مجلس زیر نظر آنهاست، کنترل می کند. در طرف مردم سالاری قانون اساسی، مردم رییس جمهور و مجلس را انتخاب می کنند.

اما پرسش اساسی این است که آقای [آیت ا...] خامنه ای تا چه حد با خواست های آنها موافقت خواهد کرد. اخیراً او به طور غیرمنتظره ای تقاضای مجلس را برای بررسی امور مالی سازمان های تحت کنترل خود مورد تأیید قرار داد. با این حال، به عنوان رهبر عالی، او می تواند با داشتن مصونیت، این خواستها را نادیده بگیرد.

آقای [آیت ا...] خامنه ای هفته گذشته هنگامی که مراسم تحلیف ریاست جمهوری را به مدت سه روز به تأخیر انداخت تا راه را برای ورود دو عضو جدید محافظه کار یکی از گروه های نظارتی به نام شورای نگهبان که به وسیله مجلس رد شده بودند، باز کند، این کار را انجام داد.

تنها امکانی که مقامهای انتخاباتی برای مقابله با چنین قدرتی دارند، حمایت تقریباً نامحدود مردمی از اصلاحات است. سال گذشته، رأی دهندگان به اکثریت نمایندگان اصلاح طلب، یعنی دو سوم مجلس رأی دادند و در ماه ژوئن آقای خاتمی را با اکثریت قاطع ۷۷ درصد آرا در مقابل نه نفر از مخالفان محافظه کارش، به ریاست جمهوری انتخاب کردند.

به رغم این قدرت تفویض شده از طرف رأی دهندگان، محافظه کارها آماده دادن این هشدار به ایرانیان هستند که رهبران مذهبی مسن آنها بهتر از دیگران [مسایل را] درک می کنند.

اخیراً قوانین اسلامی به شدت به اجرا درآمده و دهها نفر از پسران و جوانان ایرانی بدون پیراهن به طرف میدان های عمومی شهر کشانیده شده اند تا با کابل های برقی برای گناهانی مانند خوردن مشروب شلاق زده شوند.

محمد محمدی - یکی از روحانیون نماینده مجلس - می گوید که او مخالف با هر گونه تضعیف قوانین اسلامی، مخصوصاً حجاب است. او در حالی که مکث کرد تا با یک مترجم جوان دعوا کند و به او بگوید که چهره او به عنوان یک زن مسلمان بیش

از فعالان به زندان، رد قانون جدید مطبوعات و قتل تعدادی از روشنفکران به وسیله گروه های خودسر، خواهد شد.

محمدعلی ابطحی، ۴۱ ساله، که یک روحانی میان مرتبه و رییس دفتر رییس جمهور خاتمی است، می گوید: ایران در مقایسه با همسایگان خود، مانند طالبان و صدام حسین، از وضع بهتری برخوردار است. او گفت: تحقق مردم سالاری در کشورهایمانند ایران نیاز به زمان زیادی دارد، ما ۲۵۰۰ سال حکومت سلطنتی داشته ایم و در ایران هنوز مردم بسیاری وجود دارند که گمان می کنند این کشور نیاز به یک مرد قدرتمند برای کنترل همه چیز دارد. البته سنجش تغییرات بستگی به این دارد که آیا زندگی مردم در حال بهبود است یا نه. از نظر اقتصادی زندگی آنها با وجود ۱۴ درصد بیکاری رسمی، که احتمال افزایش آن با وجود ناکامی بخش دولتی بسیار بزرگ - ۸۰ درصد اقتصاد - برای ایجاد حتی نیمی از مشاغل مورد نیاز سالانه یعنی ۸۰۰ هزار نفر شغل، می رود و بهبود نیست. منتقدین محافظه کار، آقای خاتمی را در این مورد به دلیل تأکید بر اصلاحات سیاسی، به جای یافتن راهکارهای اقتصادی، مقصر می دانند.

اما این مقایسه با در نظر گرفتن سرکوبها، حاکی از کارآمدی تغییرات است. رجبعلی مزروعی - یکی از نمایندگان اصلاح طلب مجلس که ۴۴ ساله است - می گوید: ۶ سال پیش اگر کسی در خیابان ناپدید می شد، هیچ کس نمی توانست از سرنوشت وی مطلع شود. اکنون، حداقل، ما می دانیم که چه خبر است. این شرایط ممکن است آرمانی نباشد؛ اما امسال بهتر از پار سال است و پار سال بهتر از دو سال پیش بوده است.

نویسنده: نیل مک فار کوآر
نیویورک تایمز - ۱۲ اوت ۲۰۰۱

تاکتیکی دست یابند، اما اگر آنها منتظر بمانند، محافظه کارها از صحنه خارج می شوند و پیروزی راهبردی سرانجام نصیب آنها خواهد شد.

این بازی انتظار به میزان زیادی از این حقیقت ناشی می شود که حدود ۶۰ درصد از جمعیت ۶۳ میلیون نفری ایران بیش از اندازه برای به خاطر

هم جناح راست و هم جناح اصلاح طلب

اکنون بر این باورند بابه حاشیه رانده

شدن افراطیون، تغییرات، ولو به

آهستگی تحقق خواهد یافت

آوردن سرکوب های شاه، جوان هستند. آنها تنها می دانند که هنوز جمهوری اسلامی باید به تضمین های خود در قانون اساسی، مانند آزادی بیان، آزادی احزاب سیاسی، و آزادی عقیده جامه عمل بپوشاند.

با وجود دسترسی نسل جوان به اینترنت و تلویزیون ماهواره ای، محدودیت های سخت اجتماعی و اقتصادی ایران آزاد دهنده است. بنابراین هر سال آنها با صدای بلندتری خواستار تغییرات هستند و ممکن است در صورت عدم تحقق آنها شورش کنند.

بنابراین، اصلاح طلبها فکر می کنند که احتمالاً خواسته های آنها مورد تأیید اکثریت قاطع قرار خواهد گرفت و لذا اکنون نیازی به رویارویی خصمانه با محافظه کارها نیست، زیرا این کار تنها منجر به تکرر شکست های آقای خاتمی در دوره قبل ریاست جمهوری، از قبیل روانه شدن حداقل ۵۰ نفر

از اندازه در معرض دید قرار گرفته و بنابراین نمی تواند به او نگاه کند، گفت: "من مخالف عقیده تبلیغ بی حجابی برای زنان هستم". او اضافه کرد: "من مخالف هر گونه تعبیر موهن از اسلام و تضعیف اندیشه های اسلامی هستم."

هم جناح راست و هم جناح اصلاح طلب اکنون بر این باورند که با به حاشیه رانده شدن افراطیون و زمینه های مشترک به وجود آمده برای میانه روها، تغییرات (ولو به آهستگی) تحقق خواهد یافت.

محافظه کاران توقع دارند که اصلاح طلبها، افرادی را که در انتظار روی کار آمدن یک دولت غیر مذهبی هستند، کنار بگذارند. در مقابل، اصلاح طلبها امیدوارند که شرّ مرتجعین را، که میانه روی را مساوی با غرب گرایی و پایان روش زندگی خود می دانند، از سر خود کم کنند.

امیر محبیبان - سردبیر سیاسی روزنامه "رسالت"، که نماینده نظریات محافظه کاران است - می گوید که هر دو طرف شروع به صحبت با یک زبان کرده اند. او می گوید که اصلاح طلب ها در صورت مبارزه با مشکلات اقتصادی و نارسایی های اجتماعی ناشی از آن، مانند فحش رایج در جامعه، می توانند افراد بیشتری از محافظه کاران را به اردوی خود جذب کنند.

برخی از اصلاح طلبها تصور می کنند که آقای خاتمی بیش از حد اهل مصالحه است و معتقدند که او باید از حمایت مردم از خود به مثابه سلاحی مؤثر استفاده کند. آقای جلالی پور می گوید: "مردم راهی را که خاتمی در آن جهت حرکت می کند، مورد تأیید قرار می دهند. ولی بعضی ها از او انتظار دارند که سریعتر و قدرتمند در این راه حرکت کند."

متحدان آقای خاتمی استدلال می کنند که گرچه ممکن است محافظه کاران به یک سری اهداف کوچک